

## ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه\*

دکتر سیمین رونقی<sup>۱</sup>، دکتر علی دلاور<sup>۲</sup>، دکتر محمد علی مظاهری<sup>۳</sup>

### چکیده:

هدف این پژوهش با بهره‌گیری از مبانی نظریه دلبستگی، ساخت و هنجاریابی مقیاسی برای سنجش دلبستگی کودکان ۶-۱۲ ساله بود. گروه نمونه از ۵۰۰ دانش‌آموز پایه‌های اول تا پنجم مقطع ابتدایی دبستانهای شهر کرج با استفاده از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده و مورد آزمون قرار گرفتند. برای ساخت آزمون مراحل زیر طی شد:

۱- بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیقات ۲- تهیه مخزن جملات شامل رفتارهای اضطراب (از جدایی و طرد شدن توسط نگار دلبستگی) و رفتارهای اجتناب (از ایجاد پیوند و رابطه عاطفی با نگار دلبستگی). ۳- تهیه و اجرای آزمون مقدماتی و حذف و تغییر جملات نامناسب ۴- ساخت یک مقیاس ۲۸ جمله‌ای. و ۵- اجرای نهایی و تعیین ویژگی‌های آماری آزمون

اعتبار محتوایی آزمون به تأیید دو نفر متخصص در این زمینه رسید. ضریب اعتبار (آلفای کرونباخ) محاسبه شده در مؤلفه اضطراب ۰/۸۲ و در مؤلفه اجتناب ۰/۹۰ بود. نتایج حاصل از بازآزمایی نشان داد همبستگی بین نمرات در دو اجرا در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بوده و میانگین مؤلفه‌ها در هیچ سطحی تفاوت نداشتند. روایی همزمان توسط اجرای یک پرسشنامه محقق ساخته در زمینه وجود مشکلات رفتاری، تحصیلی، سازگاری با دوستان و با مدرسه در آزمودنی‌ها بررسی شد که نتایج تأیید کننده روایی همزمان آزمون بودند. سپس مشخصه‌های هنجاری آزمون تهیه و تنظیم گردیدند. نتایج نشان می‌دهند مقیاس دلبستگی کودکان ۶-۱۲ ساله از اعتبار و روایی کافی برخوردار می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** ساخت و هنجاریابی، مقیاس دلبستگی، کودکی میانه.

\*- این مقاله حاصل پژوهشی است که با استفاده از اعتبار پژوهشی دانشگاه آزاد واحد کرج اجرا شده است.

۱- استادیار روان‌شناسی، گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.

## / مقدمه /

امروزه یکی از مطرح‌ترین نظریه‌های رشد، نظریه دلبستگی (بالبی ۱۹۸۲) می‌باشد. دلبستگی در کودکان معمولاً اینگونه تعریف می‌شود: «یک پیوند عاطفی و پایدار طولانی مدت که بین کودک و نگار دلبستگی اش ایجاد می‌شود و این پیوند برای کودک ایمنی و احساس راحتی فراهم می‌نماید» (اینزورث ۱۹۸۹، کسیدی ۱۹۹۹). کودک رفتار دلبستگی خود را پیرامون هدف حفظ و ابقای مجاورت به نگار دلبستگی اش تنظیم و سازماندهی می‌کند. وقتی کودک به راه افتاد از نگار دلبستگی به عنوان یک بهشت ایمنی هنگام احساس اضطراب و درماندگی و به عنوان یک مبنای ایمن برای پشتیبانی رفتار جستجوگرانه هنگامی که تهدیدی وجود ندارد استفاده می‌کند (بالبی ۱۹۸۲ اینزورث ۱۹۸۹). از دیدگاه این نظریه اگر کودک دارای دلبستگی ایمن باشد می‌تواند در خانواده، مدرسه و اجتماع با دیگران تعامل ورزیده و رشد عاطفی، اجتماعی، هیجانی و حتی شناختی مطلوب داشته باشد. اما اگر کودک دارای سبک دلبستگی نا ایمن باشد، رشد و تحول او در بستری متزلزل و ناهموار رخ خواهد داد و این موضوع در تمامی فرآیندهای رشد و تحول کودک به عنوان یک موجود اجتماعی که ناچار از تعامل با دیگران است، تأثیر نامطلوب به جا خواهد گذاشت.

با توجه به اهمیت دلبستگی ایمن در تکامل شخصیت کودک لازم است عواملی که می‌توانند بر این رشد و تکامل تأثیر منفی و مخرب داشته باشند هر چه زودتر شناسایی شده و مورد درمان قرار گیرند. اولین و مهم‌ترین گام در این مسیر سنجش و ارزیابی صحیح آسیب‌ها و عوامل آن می‌باشد. نظریه پردازان دلبستگی از همان آغاز بر اهمیت تهیه آزمونهای مناسب برای تشخیص و تعیین سبکهای دلبستگی واقف بوده و در این جهت تلاش کرده‌اند. اولین آزمون در این زمینه توسط دکتر ماری اینزورث دستیار بالبی ساخته شد. این آزمون به ارزیابی سبک دلبستگی طفل و مادرش در فاصله سنی ۶ ماهگی تا ۲ سالگی می‌پرداخت. از آن تاریخ تا کنون آزمونهای بسیاری برای دوره‌های طفولیت، کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی ساخته شده، ولی سهم کودکی میانه از این آزمون‌ها بسیار اندک بوده است. دوره کودکی میانه که از ۶ سالگی تا ۱۲ سالگی ادامه پیدا می‌کند به دلایل متعددی یکی از مهم‌ترین دوره‌های رشد محسوب می‌شود. در این دوره کودک از خانواده و محیط بسته آن خارج شده و آموزش و پرورش رسمی را آغاز می‌نماید. شروع دوره عملیات منطقی عینی (رشد شناختی پیاژه) و در کنار آن آغاز دوره سازندگی در برابر احساس حقارت (رشد اجتماعی اریکسون) به این دوره معنایی متفاوت با دوره‌های قبل و بعدی رشد می‌بخشد. بررسی کامل دلایل کمبود آزمونهای مناسب برای دوره کودکی میانه

از حوصله این مقاله خارج است، ولی در اینجا به صورت مختصر به بررسی بخشی از مهم‌ترین علل پرداخته و سپس به تلاشی که در این تحقیق برای ساخت یک آزمون متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی انجام گرفته، خواهیم پرداخت.

سنجش یک ساختار به وجود یک تعریف روشن و واضح از آن ساختار بستگی دارد. این تعریف توسط بالبی ارایه گردید و سپس اولین آزمون دلبستگی توسط ماری اینزورث همکار بالبی ساخته شد و "آزمون موقعیت ناآشنا" (strange situation test) نام گرفت. در این آزمون کودک و والد در یک محل (ازمایشگاه) غریبه و در مواجهه با افراد نا آشنا مورد مشاهده قرار می‌گیرند و دلبستگی کودک معمولاً با رجوع به نوع سازماندهی عواطف، رفتار و شناخت کودک در رابطه با نگار دلبستگی اش سنجیده می‌شود.

در اوایل کودکی از اصطلاح دلبستگی معمولاً برای بیان کیفیت یک رابطه خاص بین کودک و یکی از والدین استفاده می‌شود. همچنین به علت نا توانی طفل از بیان احساساتش آزمونهای اوایل کودکی روی مشاهده رفتار کودک تاکید دارند. در حالیکه بسیاری از مقیاس‌های دلبستگی در دوره‌های بعدی (اواسط کودکی، نوجوانی و بزرگسال)؛ بیشتر به سنجش وضعیت و حالت عمومی ذهنی فرد در رابطه با اصل رابطه موضوعی و ادراک او از کل مفهوم دلبستگی می‌پردازند تا کیفیت پیوندهای خاص او با یک نگار خاص. روشن است که تعاریف و توضیحاتی که درباره دلبستگی در دوره‌های متفاوت رشد ارائه شده، تعاریفی تحولی و بر مبنای میزان رشد کودک است. برای مثال بالبی (۱۹۸۲) فرض نمود از اوایل تا میانه کودکی به تدریج تغییراتی در رفتارهای مبین دلبستگی رخ می‌دهد: اولاً، احتمالاً مقدار و شدت رفتارهای خاص نسبت به نگار دلبستگی کاهش پیدا می‌کند. که این کاهش می‌تواند ناشی از افزایش خودتکایی کودک باشد (ماروین و بریتنر ۱۹۹۹). دوم، در بسیاری از وقایع و حوادث رفتار دلبستگی کودکان مسن تر به خاطر طیف وسیعتری از شرایط خاتمه پیدا می‌کند (بالبی ۱۹۸۲) برای مثال یک تماس تلفنی یا دیدن عکس نگار دلبستگی می‌تواند باعث ختم رفتار دلبستگی (گریه، جستجوی نگار و...) گردد. سوم، هدف رفتاری دلبستگی می‌تواند به جای مجاورت جسمانی، به اطمینان از در دسترس بودن نگار تبدیل شود. کودکان هر چه بزرگتر می‌شوند رفتارهای دلبستگی شدید را به دفعات کمتر و در موقعیت‌های نادرتری ظاهر می‌سازند (کرنز و همکاران ۲۰۰۳، لیبرمن، دوایل، مارکیه و یچ ۱۹۹۹).

به این دلایل است که پس از دوران اولیه کودکی به سختی می‌توان کیفیت دلبستگی را از طریق مشاهده رفتار ایمن مبنای کودک در محیط‌های طبیعی روزمره یا از طریق روش‌های آزمایشگاهی "جدایی- بازپیوند" یا همان روش اصلی موقعیت نا آشنا تشخیص داد. به صورت خلاصه مهم‌ترین تغییراتی که در میانه کودکی نسبت به اوایل آن رخ داده،

تسلط کامل کودک به زبان و همچنین توانایی باز نمایی ذهنی حضور نگار دلبستگی است. به همین دلیل ساخت مقیاس هایی که امکان تعیین کیفیت دلبستگی را در دوره کودکی میانه تسهیل نمایند بسیار مهم و دشوار است. مقیاس های در دسترس فعلی بر مبنای خود گزارشی کودکان بنا شده و به سه گروه تقسیم می شوند :

۱- پرسشنامه های هنجاریابی شده. ۲- روش های گفتمان داستانی یا روایتی  
۳- نقاشی های خانواده و روش های بازنمایانه.

پرسشنامه ها معمولاً برای تعیین نگار دلبستگی کودکان و چگونگی درک آنها از کیفیت رابطه دلبستگی که با والدین خود دارند، ابداع و تهیه شده اند. پرسشنامه های تشخیص نگار دلبستگی (کرنز و همکاران ۲۰۰۳، کوباگ، اسپوسیتو و سرویک ۲۰۰۳) از کودکان می پرسند آنها هنگام موقعیت های مرتبط با دلبستگی چه کسی را جستجو می کنند (مثلاً وقتی کودک می ترسد). پرسشنامه هایی که کیفیت رابطه دلبستگی را می سنجند (برای مثال ایمنی و مقیاس های کنار آمدن اجتنابی و دلمشغول) از کودکان می خواهند جملاتی را نرخ بندی کنند که به انتظارات و توقعات، عواطف و رفتار آنها در رابطه با یک نگار دلبستگی خاص مربوط می شوند (کرنز و همکاران ۲۰۰۱، فینگان، هاجز و پری ۱۹۹۶). رویکرد ارزیابی دوم استفاده از فنون گفت و گوی داستانی است. این فنون شامل تعریف کردن قصه یا پاسخ دادن به سئوالاتی درباره چگونگی روابط دلبستگی با نگار کودک است. کودک در این روش در یک مصاحبه نیمه آزاد که ضبط می شود شرکت می کند و گفت و گو و حرف های کودک بعداً توسط کدگذاران تعلیم دیده ارزیابی می گردد. فنون گفتمان برعکس روش پرسشنامه که به حیطه های هشیار کودک می پردازد، هم بازخوردهای هشیار و هم ناهشیار کودک را نشانه می گیرند. همچنین حرفها، نحوه تبادل، انسجام اطلاعات و بیان گفته ها نیز بررسی و ارزیابی می شود (مین ۱۹۹۶، کوباگ، اسپوسیتو و سرویک ۲۰۰۳).

رویکرد سوم ارزیابی که به تجزیه و تحلیل نقاشی های خانواده می پردازد نیز اعتقادات و نگرش ها و بازخوردهای ناهشیار را هدف می گیرد. در این نقاشی ها نمره گذاری بر اساس علائم خاصی که به عنوان انعکاس ایمنی در نظر گرفته می شوند (مانند محل و نوع قرارگیری بازوها) و همچنین کیفیت باز نمایی نقاشی ها (برای مثال فاصله هیجانی افراد ویا نحوه چیدمان اعضای خانواده در نقاشی) انجام شده و کیفیت دلبستگی کودک مشخص می گردد. (فیوری و کارلسون و سروفی ۱۹۹۷).

در حال حاضر از همه این آزمونها به صورت محدودی استفاده می شود، زیرا این روشها دارای کاستی هایی هستند که نتیجه گیری متقن از آنها را دشوار می سازد. برای مثال کرنز؛ پروماریو و سپیرت (۲۰۱۱) از دو روش پرسشنامه و عروسک بازی برای سنجش دلبستگی

مادر-کودک و ارتباط آن با نشانگان افسردگی در کودکی میانه استفاده نمودند. در تحقیق دیگری دل گویی دیچه و بلسکی (۲۰۱۰) با استفاده از روشهای پرسشنامه‌ای به اثبات شروع تفاوت‌های جنسی در سبک‌های دلبستگی از شروع کودکی میانه بر اساس تاریخچه زندگی و شرایط اجتماعی و اقتصادی کودکان پرداختند. در سال ۲۰۱۱ دوبیس و سایر و موس به بررسی طولی مکالمات و رفتارهای دلبستگی مادر و کودک به عنوان پیش بینی کننده سبک دلبستگی کودک در کودکی میانه پرداختند. آنها در سنین ۵/۵ سالگی از آزمونهای موقعیت نا آشنا و تحلیل مکالمات و در سن ۵/۸ سالگی فقط از تحلیل مکالمات استفاده نمودند. در تحقیق دیگری کلارک و سیمونز (۲۰۰۹) با استفاده از آزمون اضطراب جدایی و مصاحبه عروسی به سنجش ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و باز نمایی احساسات نسبت به خود و سایر افراد مهم در کودکی میانه نمودند. در این راستا می‌توان از تحقیقات بسیار زیادی نام برد که همگی از چند آزمون محدود استفاده کرده اند. اما مهم‌ترین مشکل آزمونهای موجود این است که داده‌های اعتباری در دسترس برای آنها تا حدی محدود و اندک است. همچنین با توجه به اهمیت بسیار زیاد دوره کودکی میانه به عنوان حلقه‌ی رابط بین دوره‌ی اوایل کودکی و دوره نوجوانی، متأسفانه توجه چندانی به رفتارهای خاص و ویژگیهای روانی و اجتماعی کودکان در این آزمونها انجام نگرفته. در ایران دکتر زینب خانجانی در سال ۷۹ به مناسب سازی آزمون اضطراب جدایی (SAT) پرداخت. ولی این آزمون بعلاوه دشواری شیوه نمره دهی و تفسیر نتایج در ایران کاربرد زیادی پیدا نکرده است. در مجموع ساخت یک آزمون ویژه برای این دوره که در برگیرنده شاخص‌هایی برای هم سنجش کیفیت رابطه خاص با نگار و هم سطح کلی ذهنی کودک درباره رابطه دلبستگی باشد و داده‌های اعتباری لازم را نیز فراهم آورد و از نظر اجرا و نمره دهی و تعبیر و تفسیر دشواری کمتری داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد. هدف از این تحقیق تهیه یک مقیاس مناسب برای سنجش دلبستگی در کودکان ۱۲-۶ ساله و دارای ویژگی‌های مناسب بوده است.

### روش، جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه تحقیق از کلیه کودکان ۱۲-۶ ساله که در مقطع ابتدایی مدارس شهرستان کرج در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ مشغول به تحصیل بوده اند تشکیل شده است. نمونه تحقیق شامل ۵۰۰ دانش آموز (۲۵۰ دختر و ۲۵۰ پسر) که در پایه‌های اول تا پنجم (هر جنس در هر پایه کلاسی ۵۰ نفر) در مناطق ۱ و ۲ و ۳ کرج تحصیل می‌کردند می‌باشد.

روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. روش اجرای این نمونه گیری بدین ترتیب بود که در ابتدا با مراجعه به ادارات آموزش و پرورش مناطق ۳ گانه کرج لیست کامل مدارس ابتدایی (دولتی و غیر انتفاعی) تهیه شد. سپس بصورت تصادفی در هر منطقه ۴ مدرسه دخترانه و ۴ مدرسه پسرانه انتخاب گردید. پس از مراجعه به مدارس از میان کلاسهای موجود یک کلاس انتخاب و سپس در لیست آن کلاس اسامی مربوط به شماره‌های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ... تعیین شده و برای اجرای آزمون دعوت شدند.

بعلافت بافت شهری کرج تلاش شد تا مدارس که انتخاب شده اند، نماینده تمام وضعیت‌های اقتصادی- اجتماعی بالا، متوسط و ضعیف باشند. تا هنگام هنجاریابی اثر عوامل اقتصادی- اجتماعی کنترل گردد.

### ابزار اندازه گیری:

از آنجا که هدف این تحقیق ساخت یک آزمون جدید از نوع پرسشنامه‌ای برای سنجش دلبستگی در کودکی میانه بوده است مراحل زیر برای ساخت این ابزار طی گردیده است:

الف- بررسی و مطالعه ادبیات موجود و مربوط به سنجش دلبستگی بویژه در دوره کودکی میانه. متأسفانه برای این دوران مقیاس‌های اندکی وجود دارند و همین مقیاس‌ها نیز داده‌های پایایی و اعتباری مناسب و کافی در تحقیقات به دست نداده اند و فقط اطلاعات کلی برای تعدادی از آنها وجود دارد. در ایران تنها آزمون اضطراب جدایی SAT (رسینگ، ۱۹۹۷) توسط دکتر زینب خانجانی برای استفاده در ایران مناسب سازی شده است. این آزمون اولاً روش نمره گذاری پیچیده و وقت گیری دارد و دوم اینکه SAT نتایج آماری (اعتبار و پایایی) ضعیفی را در تحقیقات متعدد بدست داده است (برای مثال کرنز و همکاران ۲۰۰۱، رسینگ ۱۹۹۷، هاوز و تونیان ۲۰۰۰). با توجه به مشکلات گزارش شده در گزارشات این محققان؛ روش روایتی و تصویری کنار گذاشته شده و روش پرسشنامه‌ای برای تهیه مقیاس جدید به کار گرفته شد.

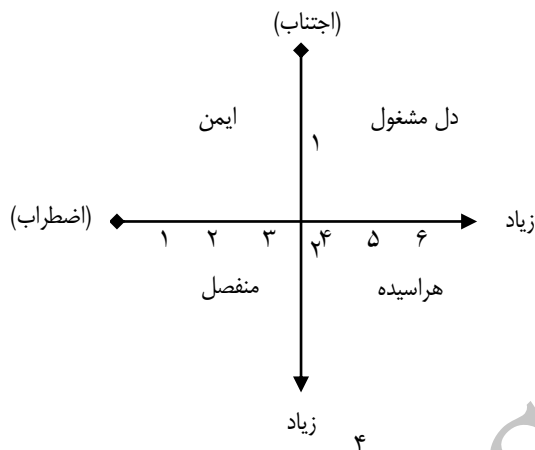
ب- برای تهیه جملات مقیاس با استفاده از داده‌های تحقیقاتی موجود درباره صفات مشخصه رفتاری کودکان در هر یک از مقوله‌های دلبستگی (اضطراب و اجتناب) یک مخزن جملات تهیه شد. این جملات به سبک هارتر (۱۹۸۲) تهیه شدند. در این روش جملات به صورت جفت‌هایی ارائه می‌شوند که هر یک نشاندهنده یک ویژگی رفتاری هستند. برای مثال گفته می‌شود:

الف- بعضی بچه‌ها وقتی برای مدتی از مادرشان جدا می‌شوند، خیلی نگران و ناراحت نمی‌شوند.

ب- ولی بعضی بچه‌های دیگر وقتی برای مدتی از مادرشان جدا می‌شوند خیلی نگران و ناراحت می‌شوند.

در این جملات کودکان با رفتار دو گروه کودک مواجهه می‌شوند و از آنها خواسته می‌شود گروهی را که شباهت رفتاری بیشتری به آنها دارد را انتخاب کنند. سپس از کودک خواسته می‌شود شدت تطابق جمله در مورد خودش را روی یک مقیاس لیکرت (واقعاً و همیشه شبیه من است) (۳) کمی شبیه من است (۲) و گاهی شبیه من است (۱) { معین نماید. این شکل جملات به عقیده هارتر میزان خطای مقبولیت اجتماعی پاسخگویی را کاهش می‌دهد، زیرا کودک می‌تواند به جای معین کردن نظر خودش؛ میزان انطباق خود با یک گروه خاص از کودکان را نشان دهد. برای مثال شاید برای یک کودک ساده تر باشد که بگوید او شبیه کودکانی است که دوست ندارند افکارشان را با مادرشان در میان بگذارند (در مقابل کسانی که دوست دارند) تا اینکه بخواهد خودش را در یک مقیاس انفرادی برای بیان افکار و احساسات یا رفتار رابطه با یک والد نمره دهی کند.

در مقیاس ساخته شده جملات به گونه‌ای تنظیم شدند که جمله (الف) همیشه معرف رفتارهای ایمن مبنی و جمله (ب) معرف رفتارهای اضطرابی یا اجتنابی باشد. علت این امر مراجعه به نتایج فرا تحلیل انجام شده توسط برنان (برنان، فرالی و والر ۲۰۰۰) بود. نتایج این فرا تحلیل نشان می‌دهند دو مؤلفه اصلی در ساختار دلبستگی وجود دارد: اضطراب (از جدایی و طرد) و اجتناب (از ایجاد رابطه عاطفی). نمراتی که فرد در هر یک از این دو مؤلفه دریافت می‌کند روی یک نمودار دارای دو محور عمودی (اجتناب) و افقی (اضطراب) قرار گرفته و جای شخص را از نظر طبقه بندی دلبستگی او مشخص می‌کنند حسن بزرگ این روش تعیین نوع دلبستگی به صورت ابعادی به جای روش مقوله‌ای (بارتولومئو و مورتی ۲۰۰۲) است و بعلاوه تکلیف انواع سبکهای سازمان نیافته یا حل نشده دلبستگی نیز در این روش دو بعدی روشن می‌گردد. در مقیاس دلبستگی حاضر از این دو مؤلفه استفاده شد. یعنی با مراجعه و بررسی ادبیات تحقیق جملاتی تهیه شدند که نشاندهنده رفتارهای حاکی از اضطراب و اجتناب در رابطه با نگار دلبستگی بودند. مخزنی از جملات تهیه شد که ۲۵ جمله اضطرابی و ۲۵ جمله اجتنابی داشت.



### نمودار ۱- مناطق و انواع دلبستگی با توجه به دو مؤلفه اضطراب و اجتناب

ج- مجموعه جملات به تفکیک دو مولفه، برای تعیین روایی صوری به دو نفر متخصص که تحقیقات متعددی در رابطه با دلبستگی در ایران داشته اند ارجاع شد. پس از حذف و تغییر تعدادی از جملات یک پرسشنامه مقدماتی تهیه گردید که حاوی ۲۱ سوال نشاندهنده اضطراب و ۱۷ سوال نشاندهنده اجتناب بود. سوالات بصورت یکی در میان تنظیم و جایگزین گردیدند و یک پرسشنامه مقدماتی ۳۸ سوالی تهیه گردید.

د- سپس پرسشنامه بدست آمده روی ۵۰ نفر دانش آموز (۲۵ دختر و ۲۵ پسر و در هر پایه ۵ نفر در هر جنس) اجرا گردید. نتایج حاصله، استخراج و میزان همسانی درونی هر سوال با کل مقیاس (در هر یک از دو مؤلفه اجتناب و اضطراب) محاسبه گردید. میزان آلفای کرونباخ برای مؤلفه اضطراب ۰/۷۸ و برای مؤلفه اجتناب ۰/۸۹ بدست آمد. سپس سؤالاتی که همبستگی آنها با کل مؤلفه مربوط کمتر از ۰/۴ بود حذف شدند و مجدداً آلفای کرونباخ برای ۱۴ جمله اضطراب (معادل ۰/۸۲) و برای ۱۴ جمله اجتناب (معادل ۰/۹۰) محاسبه گردید.

ه- با ترکیب یک در میان این سؤالات یک پرسشنامه ۲۸ سوالی بدست آمد. برای اجتناب از اینکه کودکان بصورت بی توجه و تکراری مرتباً یکی از گزینه‌های الف یا ب را انتخاب کنند، سؤالات ۳، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۴، ۲۷ مقیاس بصورت معکوس ارائه شدند. یعنی در این شماره‌ها جمله الف نشاندهنده اضطراب یا اجتناب و جمله ب نشاندهنده رفتار ایمن مینا بود.

پس از آماده شدن پرسشنامه نهایی، پرسشنامه روی ۵۰۰ نفر دانش آموز دختر و پسر (هر پایه ۵۰ نفر دختر، ۵۰ نفر پسر) اجرا گردید.



## نتایج

**پایایی:** برای تعیین پایایی مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شد. پس از گذشت یکماه از اتمام مرحله اول اجرای تحقیق، تعداد ۱۲۰ نفر (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) از آزمودنی‌های نمونه اولیه مجدداً مورد آزمون قرار گرفتند. نحوه نمونه‌گیری بصورت در دسترس بود از میان ۷۸ نفر کودک نایمن ۳۰ دختر و ۳۰ پسر انتخاب شدند و سپس برای آنها از میان گروه ایمن از نظر سن، جنس، منطقه و کلاس هم‌تاسازی انجام شد. یعنی ۶۰ کودک ایمن و ۶۰ کودک نایمن در بازآزمایی شرکت داشتند.

همبستگی نتایج بین اجرای اول و اجرای مجدد در مؤلفه اضطراب ۰/۵۲٪ و در مؤلفه اجتناب ۰/۵۶ بوده که هر دو در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی دار هستند (جدول ۳). آزمون  $t$  وابسته برای محاسبه تفاوت بین میانگین‌های حاصل در دو اجرا به عمل آمد که در مؤلفه اضطراب و اجتناب هر دو بی معنی بود یعنی میانگین‌ها در دو اجرا با هم تفاوت معنی دار ندارند (جدول ۴). این نتیجه پایایی مناسب مقیاس دلبستگی را نشان می‌دهد.

همچنین از روش آلفای کرونباخ برای تعیین همسانی درونی مقیاس استفاده شد. این ضریب برای مؤلفه اضطراب ۰/۸۲ و برای مؤلفه اجتناب ۰/۹۰ بود که همسانی درونی بسیار خوبی می‌باشد.

## روایی:

**روایی صوری:** جملات مقیاس مخزن به نظر و تأیید دو نفر متخصص رسید. پس از تغییر و اصلاح تعدادی از جملات مجموعه سؤالات باقیمانده پس از اجرای مقدماتی مجدداً مورد تأیید همان متخصصان قرار گرفت.

**روایی همزمان:** همزمان با اجرای آزمون اصلی یک پرسشنامه محقق ساخته در مورد وجود مشکلات رفتاری در مدرسه، وجود مشکلات تحصیلی جدی، سازگاری با دوستان و سازگاری با مدرسه و قوانین آن تهیه شده و توسط معلم و معاون مدرسه کودکان گروه نمونه تکمیل گردید. جدول ۷ نتایج این پرسشنامه را نشان می‌دهد. همانطور که دیده می‌شود کودکان ایمن بصورت معنی داری کمتر از گروه نایمن مشکلات رفتاری داشته‌اند. همچنین میزان سازگاری با دوستان و سازگاری با قوانین مدرسه برای کودکان ایمن بصورت معنی داری از کودکان نایمن بالاتر بوده است. در مورد وجود مشکلات تحصیلی جدی تفاوت بین دو گروه معنی دار نبود.

جداول ۱ و ۲ مقادیر میانگین و انحراف استاندارد را در دو گروه پسران و دختران و در کل

نمونه نشان می‌دهند.

جدول ۳ همبستگی نتایج در آزمون اصلی و باز آزمایی را نشان می‌دهد. بر این اساس نتایج در دو مرحله با هم همبستگی معنی داری دارند.

جدول ۴ نشان می‌دهد که بین نتایج حاصل از پیش و پس آزمون تفاوت‌های معنی داری در میانگین‌ها مشاهده نشده است.

جدول ۵- محاسبه معنی داری تفاوت مشاهده شده در چهار ویژگی اصلی رفتاری بین کودکان ایمن و نا ایمن

جداول مربوط به نمایش هنجارهای آماری بدست آمده برای هر یک از سؤالات در کل نمونه (۵۰۰ نفر) و نمرات چارک و دهک و میانگین نمرات برای کل نمونه و به تفکیک دو جنس تهیه گردیدند، ولی برای صرفه جویی در تعداد جداول در این گزارش آورده نشدند.

**جدول ۱- مقادیر میانگین و انحراف استاندارد در چهار گروه اصلی دلبستگی برای کل نمونه**

گروه	مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
ایمن	اضطراب	۴۱۷	۱/۹۱	۰/۵۴	۰/۰۲۶
	اجتناب	۴۱۷	۱/۶۸	۰/۴۶	۰/۰۲۳
دلمشغول	اضطراب	۶۵	۳/۵	۰/۴۶	۰/۰۵۷
	اجتناب	۶۵	۱/۸۴	۰/۴۷	۰/۰۵۸
منفصل	اضطراب	۷	۲/۱۳	۰/۳۹	۰/۰۱۴
	اجتناب	۷	۳/۳۴	۰/۳۱	۰/۰۱۲
هراسیده	اضطراب	۶	۳/۷۴	۰/۴۹	۰/۰۲۰
	اجتناب	۶	۳/۵۵	۰/۴۲	۰/۰۱۷

**جدول ۲- مقادیر میانگین و انحراف استاندارد در چهار گروه اصلی دلبستگی برای دختران و پسران**

گروه	مؤلفه	تعداد		میانگین		انحراف استاندارد		خطای استاندارد میانگین	
		دختران	پسران	دختران	پسران	دختران	پسران	دختران	پسران
ایمن	اضطراب	۱۹۶	۲۲۱	۱/۹۸	۱/۸۴	۰/۵۷	۰/۵۰	۰/۰۴۱	۰/۰۳
	اجتناب	۱۹۶	۲۲۱	۱/۶۸	۱/۶۹	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۰۳۳	۰/۰۳
دلمشغول	اضطراب	۴۳	۲۲	۳/۵۶	۳/۳۸	۰/۴۸	۰/۳۹	۰/۰۷	۰/۰۸
	اجتناب	۴۳	۲۲	۱/۸۷	۱/۷۶	۰/۵۱	۰/۳۷	۰/۰۷	۰/۰۸
منفصل	اضطراب	۴	۳	۲/۱۹	۲/۰۵	۰/۳۸	۰/۴۶	۰/۰۱۹	۰/۰۲۶
	اجتناب	۴	۳	۳/۲۱	۳/۵۰	۰/۲۰	۰/۳۹	۰/۰۱	۰/۰۲۳
هراسیده	اضطراب	۳	۳	۳/۳۸	۴/۱۲	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۰۱۴	۰/۰۲۱
	اجتناب	۳	۳	۳/۳۳	۳/۷۶	۰/۱۶	۰/۵۲	۰/۰۹	۰/۰۳۰

## جدول ۳- محاسبه همبستگی نتایج بین آزمون اصلی و باز آزمون

مؤلفه	n	ضریب همبستگی پیرسون	معنی داری
اضطراب	۱۲۰	۰/۵۲۰	۰/۰۰۰
اجتناب	۱۲۰	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰

## جدول ۴- محاسبه معنی داری تفاوت میانگین‌ها بین آزمون اصلی و باز آزمایی

مؤلفه	آزمون	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	sig
اضطراب	پیش	۱۲۰	۲/۵۵	۰/۸۳	۱/۰۳	۲۳۸	۰/۰۷۹
	پس	۱۲۰	۲/۲۹	۰/۷۰			
اجتناب	پیش	۱۲۰	۱/۹۷	۰/۷۳	۰/۹۴۷	۲۳۸	۰/۰۸۱
	پس	۱۲۰	۱/۵۲	۰/۶۶			

## جدول ۵- محاسبه معنی داری تفاوت نمرات در چهار ویژگی اصلی رفتاری بین کودکان ایمن و نا ایمن

معنی داری	Z محاسبه شده	میانگین گروه		تعداد	ویژگی رفتاری
		نا ایمن	ایمن		
۰/۰۰۴	-۲/۸۹۵	۳۵/۵	۲۵/۵	۶۰	اختلالات سلوکی
۰/۰۷۳	-۱/۷۹۳	۳۳	۲۸/۰۰	۶۰	مشکلات تحصیلی
۰/۰۳۴	۲/۱۲۵	۲۶/۵	۳۴/۵	۶۰	سازگاری با دوستان
۰/۰۲۵	۲/۲۳۴	۲۳/۵	۳۵/۵	۶۰	سازگاری با قوانین مدرسه

## بحث و نتیجه گیری:

سنجش ایمنی دلبستگی در دوره کودکی میانه برای مقاصد مختلف از جمله انجام تصمیم گیری‌های قانونی (در زمینه‌های حضانت و فرزند خواندگی) طراحی برنامه‌های مداخله گرانه، درمانی و پیشگیری از وقوع اختلالات رفتاری و هیجانی - عاطفی آینده کودکان ضروری می‌باشد. آزمون‌هایی در این زمینه وجود دارند ولی همچنان جای خالی یک آزمون کارآمد، باثبات و معتبر احساس می‌شود. همچنین باید توجه داشت که مقوله دلبستگی به شدت زمینه فرهنگی دارد. لذا استفاده از آزمون‌هایی که در یک فرهنگ خاص و برای همان فرهنگ ساخته شده اند در فرهنگ‌های دیگر به درستی پاسخ نخواهد داد. در ایران جز آزمون S.A.T که توسط دکتر خانجانی مناسب سازی شده آزمون دیگری برای سنجش نوع دلبستگی در این دوره حساس از زندگی کودکان وجود ندارد. هدف از اجرای این پژوهش ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی یک آزمون مناسب برای این دوره سنی بود که ویژگی‌های فرهنگی ایرانی-اسلامی در آن لحاظ شده باشد..

برای ساخت این آزمون مراحل زیر طی شد: بررسی منابع و تحقیقات موجود؛ ساخت یک آزمون اولیه؛ حذف و تغییر جملات نامناسب و سپس ساخت یک آزمون ۲۸ سوالی بر اساس دو مؤلفه تشکیل دهنده دلبستگی (یعنی اضطراب و اجتناب) و اجرای نهایی. از روشهای آماری برای تعیین اعتبار و هنجاریابی آزمون استفاده شد.

نتایج بدست آمده اعتبار و روایی مقیاس دلبستگی کودکان ۱۲-۶ ساله را مورد تأیید قرار دادند. پایایی باز آزمایی مقیاس بر حسب محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای مولفه‌های اضطراب و اجتناب در سطح  $0/001$  معنی دار بودند. این ضرایب نشانه پایایی رضایت بخش مقیاس هستند. همچنین آزمون  $t$  وابسته برای محاسبه تفاوت بین میانگین‌ها در دو اجرا نشان داد میانگین‌ها در هیچ سطحی تفاوت معنی دار ندارند. ضریب همسانی درونی برای جملات مقیاس در دو مؤلفه محاسبه گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه اضطراب  $0/82$  و برای اجتناب  $0/90$  بود که در هر دو مورد بسیار خوب است.

اعتبار صوری جملات به تأیید دو نفر متخصص در زمینه نظریه دلبستگی رسید. همچنین بر اساس نتایج تحقیقات قبلی در مورد ویژگی‌های رفتاری (وجود مشکلات رفتاری، تحصیلی، سازگاری با دوستان و سازگاری با مدرسه و قوانین آن) کودکان دارای سبک‌های ناایمن؛ یک پرسشنامه توسط محقق ساخته شده و توسط معلم کلاس و معاون مدرسه برای همه آزمودنی‌ها اجرا شد. نتایج حاصل از اجرای آن نشان داد کودکان ایمن مشکلات رفتاری کمتر و سازگاریهای بیشتری با دوستان و مدرسه خود دارند این نتایج یا یافته‌های تحقیقات قبلی در این زمینه (برای مثال بلسکی و کمپل ۱۹۹۶، بلک، جایگر، مک کارتنی و کریتندن ۲۰۰۰، کراول، فرالی و شیور ۱۹۹۹، کانتراس، کرنز ۲۰۰۰، لیبرمن، دوپل و مارکیه ویچ ۱۹۹۹) مطابقت دارد. این نتایج تأیید کننده روایی همزمان آزمون می‌باشد.

با توجه به اهمیت دوره کودکی میانه در رشد شخصیتی، اجتماعی، عاطفی و شناختی کودک و تاثیرات مخرب دلبستگی‌های ناایمن در رشد بهنجار کودک در این موارد و لزوم مداخله سریع و مؤثر برای حل و فصل مشکلاتی که ناشی از اختلالات دلبستگی هستند، وجود یک آزمون دلبستگی مناسب و کارآمد برای تشخیص این اختلالات بسیار لازم است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در همه موقعیتهایی که با کودکان سر و کار دارند مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال در تصمیم‌گیری‌های قضایی (برای مثال برای تعیین سرپرست کودک هنگام طلاق یا فرزند خواندگی) یا اتخاذ یک روش درمانی (در کلینیک‌های رشد و درمان کودک) و ارائه توصیه‌هایی برای اصلاح و تغییر رفتار بزرگترها در رابطه با کودک و اتخاذ مناسب‌ترین روشهای برخورد با کودکان دچار اشفتگی و اختلال رفتاری در

مدارس و کانون‌های اصلاح و تربیت و نظایر آنها؛ جای خالی آزمونهای دلبستگی در کودکی میانه را پر کند.

همچنین در موارد دیگری که والدین، قضات، مددکاران اجتماعی، روانشناسان و مسئولان تعلیم و تربیت بدنبال اتخاذ راهکارهای بهتر برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت و رفتار کودکان می‌باشند؛ مقیاس دلبستگی کودکان ۶-۱۲ ساله می‌تواند کمک بسیار بزرگی به این متخصصان باشد.

امتیاز بسیار مهم دیگر این آزمون آن است که در ساخت این مقیاس استفاده از جدیدترین اطلاعات و یافته‌های علمی مبتنی بر فرا تحلیل همه تحقیقات انجام شده در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی در جهان (برنان و شیور ۲۰۰۰) استفاده شده است. این فرا تحلیل نشان داده دو مؤلفه اصلی در ساخت دلبستگی وجود دارند: اضطراب و اجتناب. این رویکرد جدید تعاریف دقیق تری برای انواع دلبستگی ایمن و نا ایمن بدست می‌دهد و تکلیف طبقات دوسوگرا و طبقه بندی نشده را هم روشن می‌کند. نتایج تحقیق حاضر نیز وجود این دو مؤلفه زیربنایی را به اثبات رساندند. بنظر می‌رسد ساخت این مقیاس می‌تواند گام مؤثری برای حل مشکلات موجود برای سنجش دلبستگی کودکان ایرانی و استفاده عملی از نتایج حاصل از چنین تحقیقاتی باشد.

محدودیتها: نتایج این پژوهش در عین تأیید ویژگیهای آماری مناسب برای مقیاس دلبستگی کودکان با محدودیت‌های ناشی از مقدماتی بودن این مشخصه‌ها همراه است. این محدودیت‌ها مخصوصاً در زمینه بررسی انواع اعتبارهای این مقیاس (که فرآیندی مستمر است و همکاری آتی محققان را می‌طلبد) همراه می‌باشد. به این منظور پیشنهاد می‌شود طرحهای تحقیقاتی بیشتری برای تعیین اعتبار این آزمون اجرا شود. استفاده از نمونه‌های آزمودنی بزرگتر و از جهات قومی و جغرافیایی متنوع تر برای این منظور پیشنهاد می‌شود.

ساخت و استفاده از آزمونهای دلبستگی دیگری که برای فرهنگ ایرانی-اسلامی ساخته شده باشند، کمک بزرگی به انجام تحقیقات بیشتر برای تعیین اعتبارهمزمان "مقیاس دلبستگی کودکان ۶-۱۲ سال"، خواهد کرد. لذا ادامه تلاشها برای ساخت انواع دیگری از آزمونها برای این و سایر مقاطع سنی در ایران توصیه می‌شود.

## منابع

- ۱- خانجانی، زینب (۱۳۷۶) "مقایسه سبک دلبستگی در کودکان مهد کودکی و در خانه مانده"، پایان نامه دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران
1. Ainsworth, M.D.S (1989). Attachment beyond infancy. American psychologist, 44,709-716.
  2. Bartholomew & Mouretti. M (2002) Attachment processed in adulthood (pp. 151- 178). Bistol. R.A: Kingsley.
  3. Belsky.Y,Campbell, S (1996).Instability of attachment security. Developmental. Psychology, 32, 921-924.
  4. Black, K.A; Jaeger, E; Mc. Cartney & Crittenden p.M (2000). Instability of attachment models, peer interaction behavior and feeling about the self. In P.M. Crittenden (Eds). (pp 300-324) New York: Cambridge university press.
  5. Bowlby.J. (1982). Attachment and loss: Vol, 1. Attachment (2<sup>nd</sup> Ed). New York: Basic Books.
  6. Brennan, fraley & Waller (2000). Ana item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. Journal of personality and social psychology, 78,350-365.
  7. Cassidy. (1999). the nature of the child's ties. In j. Cassidy & p.R. Shaver (Eds), Handbook of attachment: theory, research, and clinical application (pp 3-20). New York: Guilford press.
  8. Clark Sharon E. ,Symons Douglas K.(2009) Representation of Attachment Relationship ,the Self ,and Significant Others in Middle Childhood. Journal Of the Canadian Academy of child and Adolescent Psychiatry. Volume 18(4) November 2009.
  9. Contreras J.M & Kerns K.A (2000). Emotion regulation processes: Explaining links between parent- child attachment and peer relationships. In K.A Kerns (Eds). (pp 1-25). Westport, CT: praeger.
  10. Crowell, J.A; Fraley, R.C & Shaver p.R. (1999) Measurement of individual differences in adolescent and adult attachment. In J. Cassidy and P.R. Shaver. (Eds). Handbook of attachment (pp.434-465). New York: Guilford press Del Giudice M. and Belsky J.(2010).Sex Differences in Attachment in Middle. Childhood: An Evolutionary Hypothesis. Child Development Perspectives Volume 4, Issue2, pp97-105, August 2010
  11. Dubois-Comtois K. an d Cyr C. & Moss E. (2011).Attachment behavior and mother-child conversations as Predictors Of attachment representation in middle childhood: A longitudinal study. Attachment & Human Development. Volume 13, Issue 4 , 2011

12. Finnegan, R.A., Hodges, E.V.E & Perry, D.G (1996) Preoccupied and avoidant coping during middle childhood, *Child Developmental* 67, 1318-1328.
13. Fury, G., Carlson, E.A., Sroufe, L.A. (1997). Children's representations Of attachment relationship in family drawings. *Child Development*,68, 1154-11
14. Harter, S, (1982). The perceived competence scale for children. *Child Development*, 53, 87-97.
15. Howes, C., & Tonyan, H. (2000). Links between adult and peer relations across Four developmental periods. In K.A. Kerns, J.M. Contreras, & A.M. Neal. Barnett (Eds), *family and peers: linking two social worlds* (pp. 85-113).Westport, CT: pager.
16. Kerns, K.A., Aspelmeier, j.E., Gentzler, A.L, & Grabil, c. (2001), Parent- child attachment and monitoring in middle childhood. *Journal of family psychology* 15, 69-81.
17. Kerns. K.A. Tomich., p.L & Kim, p. (2003). Normative trends in perceptions of availability and utilization of attachment figures in middle childhood. Unpublished Manuscript.
18. Kerns, K.A. and Brumariu L. & Seibert A.(2011) Multi-method of assessment Of mother-child attachment. *Attachment & Human Development*. Volume 13,Issue4,2011
19. Kobak, R.Esposito,A.J., & Serwik, A. (2003.April).Measuring the attachment Hierarchy.Paper presented at the biennial meeting of Society For Research in Child Development, Tampa , FL.
20. Lieberman, M.Doyle, A.,& Markiewicz, D. (1999).Developmental patterns in Security of attachment in late childhood and early adolescent: associations With peer relations.*Child Development*,70,202-21.3
21. Main, M, (1996) Introduction to the special section on attachment and Psychology: 2. Overview of the field of attachment. *Journal of consulting And clinical psychology*, 64,237-243.
22. Marvin, R.S. Britner, p.A. (1999). Normative development the ontogeny of Attachment. In J. Cassidy & p.R. Shaver (Eds). *Handbook of attachment:Theory, research and clinical applications* (pp.44-67). New York: Guilford Press.
23. Resnick, G (1997. April). The correspondence between the strange situation at 12 Months and separation Anxiety test at 11 year in an Israeli kibbutz sample. Paper presented at the biennial meeting of the society for Research in child Development, /Washington, D.C.
24. Steel M, Steel H (1996) Associations a among attachment classifications in Mothers , fathers and infants: evidence for a relationship specific perspective *Child Dev* 67:541-555.